

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

به قلم احمد زیدآبادی – ۹ دسمبر ۲۰۱۸
فرستنده: حمید بهشتی
۱۸ دسمبر ۲۰۱۸

مهاجرت؛ کسب احترام یا خواری؟



درحال فرار

مهاجرت از ایران دیگر پدیده‌ای مربوط به "فرار مغزها" نیست! سراغ هر که را می‌گیری، گفته می‌شود از ایران رفته است؛ با هر که روبه رو می‌شوی؛ گوئی برای رفتن لحظه شماری می‌کند! وقتی به کسانی که آهنگ رفتن دارند؛ می‌گویم چطور می‌توانند به سرزمینی بروید که مردمش آنها را به چشم بیگانه می‌نگرند؛ پاسخ‌شان این است که در آنجا احترام و امنیت و آرامش روانی وجود دارد. وقتی از آنها می‌پرسم؛ چطور می‌توانند سرزمینی را ترک کنند که ریشه‌هایشان در خاک آن بالیده است؛ پاسخ‌شان این است که؛ این رؤیا پردازی‌ها دیگر مرسوم نیست!

این روزها اما مهاجرت نیز جز برای محدود استعدادها و ویژه و یا افراد متمول و پول‌دار، برای سایر اقشار ایرانی پر دردسر و مشکل‌زا شده است.

گویا برخی از مهاجران ایرانی، به رعایت حال مردم و قوانین کشور میزبان، چندان نیازی نمی‌بینند و همانطور که در کشور خود کلاهبرداری و دغل‌بازی را "زرنگی" به حساب می‌آورند؛ در کشور دیگران نیز اینگونه "زرنگ بازی‌ها" را چند برابر می‌کنند.

طبیعی است که چنین رفتاری، مردم کشور میزبان را می‌آزارد و آنان را علیه مهمانان بی‌فرهنگ بر می‌انگیزد و به سمت حمایت از احزاب راست‌گرای مخالف مهاجرت سوق می‌دهد.

در این میان، احزاب نیز به نوبه خود، برای جلب رأی قشری از مردم، سیاست‌های ضد مهاجرتی در پیش می‌گیرند و در صورت به قدرت رسیدن، در مقابله با مهاجران تر و خشک را با هم می‌سوزانند.

این وضع ظاهراً برای مهاجران ایرانی در گرجستان پیش آمده است. از یک سو ظاهراً برخی ایرانیان مقیم آن کشور، قواعد و معیارهای روابط سنجیده اجتماعی را زیر پا می‌گذارند و از دیگر سو، دولت گرجستان نیز تلاقی این کار را از سر همه مهاجران از جمله افراد بیگناهی در می‌آورد که به امید احترام و آرامش به آن سرزمین مهاجرت کرده‌اند.

در واقع، این برخورد، بسیاری از خانواده‌های مهاجر به گرجستان را دچار بحران کرده و بعضاً سبب جدا کردن اعضای خانواده‌ها از هم شده است! گویا وزارت خارجه ایران هم در این زمینه توان و برشی ندارد و آنقدر درگیر مشکلات ریز و درشت بین‌المللی است که حتی وقت ندارد به این موضوع بیندیشد!

ما ایرانیان قرار بوده است مردمی متمدن، با فرهنگ، مبادی آداب، وطن دوست و سرافراز باشیم؛ اما چه شده است که برخی از ما مجبور به تحمل این سطح از خواری شده‌ایم؟

دلایل روشن است! از تکرار ملال آور آنها هم فرجی حاصل نمی‌شود! برای نجات از این وضع، هر یک از ما ایرانیان نیازمند نهضتی برای نوزائی اخلاقی در درون خویش هستیم. این نوزائی ما را به رغم همه مشقات، به ماندن در سرزمین خود ترغیب می‌کند. سرزمینی که اجدادمان در آن آرمیده‌اند. سرزمینی که ریشه‌هایمان در عمق خاک آن نفوذ دارد. سرزمینی که منشای حق و حقوق ما از این کره خاکی است؛ سرزمینی که در خارج از آن، بیگانه به شمار می‌رویم؛ سرزمینی که هرگز نباید رها و فراموش کنیم.